

چرانی‌توانیم

فیلم آخرالزمانی بسازیم؟



آرش شفاعی دبیر گروه فرهنگ

درباره سینما و ادبیات آخرالزمانی در سال‌های اخیر، مطالب پراکنده اما زیادی خوانده‌ایم. جدی شدن بحث مطالعات مهدویت در کشور ماز چندسال قبل باعث‌شده‌است علاقه به دنبال کردن مباحث این حوزه، سال به سال میان مخاطبان و دوستداران مباحث مرتبط با مطالعات فرهنگی افزایش یابد. این مباحث به خصوص در حوزه نقد و پژوهش سینما بیشتر جدی گرفته شده است اما در موارد زیادی این مباحث به باگویی نشانه‌ها و نمادها و تطبیق آن با روایات ظهور در ادبیات دینی و شیعی محدود مانده است. از طرف دیگر، در موارد زیادی این‌گونه مباحث به چاشنی‌هایی برای جذاب‌تر کردن سخنرانی‌ها و اظهارنظرها شبیه است تا دیدگاه‌هایی علمی و برآمده از پژوهش‌های نشانه‌شناختی و زبان‌شناسانه. فروکاستن شان مباحث علمی به ملفعه‌ای از موضوعات مختلف برای تحت تأثیرقرار دادن مخاطبان باعث شده است، مقامی‌نم‌دربابر این مباحث در جامعه علمی و پژوهشی ایجاد شود. نکته قابل بحث این است که اغلب مقالات و پژوهش‌هایی هم که در این حوزه صورت گرفته و منتشر شده است، تنها به باگویی و بازخوانی تولیدات فرهنگی و هنری غرب محدود مانده است. به عبارت دیگر ما تولیدات غربی‌ها را می‌بینیم، رد پای نشانه‌ها را در آثارشان پیدا می‌کنیم و آنها را برای مخاطبان خود تشریح می‌کنیم اما خود در میدان تولید فرهنگی، همچنان کمیت‌مان می‌لنگد. سؤال اساسی ما در برابر آثار و تولیدات فرهنگی و هنری غرب این است که آنها در موضوعاتی مانند مهدویت و آخرالزمان چه می‌گویند و حرف‌هایشان چقدر به حرف‌های ما نزدیک است یا دور، اما سؤال اصلی باید این باشد که چرا ما نمی‌توانیم آنچه را در متون و روایات خود داریم به ما به راه‌های تصویری و مثنی تبدیل کنیم؟

در ادبیات دینی و شیعی، موضوع مهدویت با نشانه‌ها و شرح و بسط بسیار مورد توجه قرار گرفته است. مهدویت، یکی از بنیادهای فکری تفکر شیعی است. تشیع برای آخرالزمان، روایت اختصاصی خود را دارد و این روایت از همان ابتدای شکل‌گیری این مذهب با بیان و حدیث ائمه(ع) شکل گرفته است. البته در این میان احادیث یا سندهای ضعیف یا جعلی هم وارد شده که راهکارهایی برای تشخیص آنها وجود دارد و پژوهش‌هایی نیز در حوزه هرمنوتیک متنی در این خصوص انجام شده است. نکته اصلی این است که چرا نمی‌توان از این متون موجود که اتفاقاً بسیاری دارند و دارای ظرفیت‌های دراماتیک بسیار نیز هستند، استفاده کرد؟ مشکل در این است که اصولاً نویسندگان و فیلمسازان ما به موضوعی چون مهدویت اعتقاد ندارند؟ البته این موضوع واقعیت ندارد و ما میان نویسندگان و هنرمندان مان، گروه بسیاری را می‌شناسیم که دل در گروی موعود آسمان و زمین دارند. شاید مشکل اصلی این است که اهل قلم و فرهنگ ما هنوز راه‌های تبدیل متون کلاسیک به متون معاصر را در درستی نیاموخته‌اند. این‌که یک مفهوم دینی یا حدیث را چگونه می‌توان با استفاده از آوازه و تصویر به داستان تبدیل کرد و برای آن ما به ارایی عینی آفرید، یکی از مشکلات عمده ماست که باعث شده نه تنها از تبدیل روایت‌های دینی که از تبدیل آثار کلاسیک ادبی، اسطوره‌ها و افسانه‌های ایرانی و آثار متقدمان خود به فیلم، تئاتر، داستان و دیگر شیوه‌های بیان هنری نتوان بمانیم. اندیشکده‌ها و موسسات مطالعاتی فرهنگی ریز و درشتی که در سطح کشور وجود دارند، باید نزدیک شدن به هنرمندان و در اختیار قراردادن نتیجه یافته‌های خود در حوزه مطالعات فرهنگی را در دستور کار قرار دهند تا به این ترتیب زبانی مشترک میان هنرمندان و پژوهشگران به دست آید.

خبر

زن تاریخ ساز اسکار درگذشت



اگر به خاطر داشته باشید، در صفحه سینمای روز دهم مهر، مصاحبه «ساجین لیتل قدر» فعال حقوق مدنی سرخوستی با واریتی را منتشر کردیم. این زن فعال حقوق بشر همان کسی است که جایزه اسکار را به نیابت از «مارلون براندو» رد کرد. دیروز خبر درگذشت وی در سن ۷۵ سالگی منتشر شد. خبر مرگ وی را آکادمی علوم و هنرهای سینمایی اسکار با انتشار پیامی در توییتر اعلام کرد. «لیتل قدر» به سلطان سینه مبتلاد. «مارلون براندو» در اسکار ۱۹۷۳ برای بازی در فیلم «پدرخوانده» در نقش رئیس مافیای، به عنوان برگزیده جایزه اسکار بهترین بازیگر مرد انتخاب شد اما در حمایت از حقوق سرخپوستان در مراسم حضور نیافت و «لیتل قدر» به نیابت «براندو» در مراسم شرکت کرد. او جایزه را رد کرد و در سخنرانی کوتاهی علت تصمیم «براندو» را برای رد جایزه اسکار، اعتراض به نحوه نمایش بومیان آمریکا در صنعت سینما و تلویزیون عنوان کرد.

خبر

پروژه جدید اوج رونمایی شد

ساخت فیلمی درباره سردار هاشمی

به نظر می‌رسد امسال شاهد تولید چندین فیلم درباره زندگی فرماندهان و سرداران دفاع مقدس خواهیم بود. بعد از این که مشخص شد محمدحسین لطیفی در حال ساخت فیلم «غریب» درباره زندگی سردار شهید محمد بروجردی است، حالا خبر می‌رسد فیلمبرداری فیلم سینمایی «اسفند» با پرداختن به مقطعی از حضور شهید علی هاشمی در دوران جنگ ایران و عراق به زودی آغاز می‌شود. این فیلم

که یکی از تولیدات سازمان هنری – رسانه‌ای اوج است، به نویسندگی و کارگردانی دانش اقباشاوی که خودش اهل آبادان است، ساخته خواهد شد. اقباشاوی که دستکاری کارگردان‌هایی چون ابراهیم حاتمی‌کیا، رسول صدرعاملی و احمدرضادرویش را در کارنامه دارد، فیلم‌های دختر الهام و بیهات را کارگردانی کرده و در فیلم ایتالیا ایتالیا به کارگردانی مهدی صباغ‌زاده نیز بازی کرده است. شهید علی هاشمی به

آخرالزمان در سینمای آنها و غفلت ما

به انگیزه سالگرد آغاز امامت منجی عالم بشریت، حضرت حجت بن الحسن العسکری (عج)



خود گرفت تا جایی که کمپانی‌ها و استودیوهایی ویژه ساخت این‌گونه آثار ایدئولوژیک به‌وجودآمدند. قبل از شروع هزاره سوم و در سال ۱۹۹۹ میلادی، یک کمپانی فیلمسازی به نام مؤسسه «پرده اول» یا (Act one) توسط راهبه‌ای به نام «باربارا نیکولاسی» به‌منظور تحصیل هنرجویان اونجلیست در زمینه فیلمنامه‌نویسی و سینما تأسیس شد.

«هانا راسین» از نویسندگان واشنگتن‌پست که کتابی درباره نخبگان اونجلیست انتشار داد، مقاله‌ای درباره رویکرد جدید هالیوود در آستانه هزاره سوم میلادی به این فرقه و از طرف دیگر گرایش مسیحیان صهیونیست به سینما و فیلمسازی نوشت.

هانا راسین نوشت هدف مسیحیت اونجلیست این بود که بتواند با قوی‌ترین، جذاب‌ترین و فراگیرترین زبان کنونی با جهانیان سخن بگوید. او در مقاله فوق بر این باور بود که اگرچه مسیحیت صهیونیستی از دیرزمانی پیشتر در ساختارهای سیاسی حاکم و بافت سنت‌گرای جامعه آمریکا حضوری پر قدرت داشته اما از سال ۲۰۰۱ به بعد، رابطه‌ای متفاوت‌تر و تأثیرگذارتر میان اونجلیسم و هالیوود شکل گرفت. راسین سعی داشت در آن مقاله نسل‌های مختلف معتقدین به اونجلیسم را در هالیوود معرفی کند. نسل اول به اعتقاد او کسانی بودند که در فضای شدید پهلودی هالیوود سعی می‌کردند اعتقادات خود را مخفی کنند. نسل دوم پس از ۱۱ سپتامبر و ظهور نومحافله‌کاران آمریکایی در کاخ سفید فرصت عرض اندام یافتند اما نسل سوم علاوه بر ابا نداشتن از بیان اعتقادات مذهبی، معتقد بوده و هستند که نگاه مذهبی به پدیده‌ها باید در تمام سطوح فیلم نفوذ کند، حتی اگر فیلمی باشد که در ظاهر با قواعد اونجلیسم سازگار نباشد.

راسین تأکید کرد که هالیوود به دست این نسل کاملاً متحول شده چرا که نسل جدید نه تنها بحث آخرالزمان را در یک ژانر محدود نکرده بلکه جذاب‌ترین انواع سینما یعنی تریلر، وحشت، علمی – تخیلی و حتی کمیک‌استرپ را هدف‌گیری کرده‌است. هدف آنها آشتی میان سینمای سکولار و کلیسای انجیلی با یکدیگر بود تا اونجلیست‌ها بتوانند با قوی‌ترین، جذاب‌ترین و فراگیرترین زبان کنونی با جهانیان سخن بگویند. این موضوع تا جایی پیش رفت که بین مدیران



درست بعد از اکران فیلم مصائب مسیح استودیوهای بزرگ به فیلمنامه‌های شبه مذهبی با درونمایه آخرالزمانی

سردار هور شهرت دارد و رهبر معظم انقلاب اخیراً در سخنرانی خود به مناسبت هفته دفاع مقدس به شهید هاشمی اشاره کردند و او را از شخصیت‌های درجه یک دفاع نامیدند. فیلم «اسفند» به تهیه‌کنندگی محمدرضا تخت‌کشیان ساخته می‌شود و فعلاً در مرحله پیش‌تولید و انتخاب بازیگر است. طبق اعلام سازمان اوج، فیلمبرداری این فیلم سینمایی از اواخر مهر یا اوایل آبان امسال آغاز می‌شود.

در سال ۲۰۰۲ دانشگاه پت رابرتسون (از سرکردگان اونجلیست) مرکز هنرهای نمایشی خود را افتتاح کرد. این مرکز شامل استودیوهای فیلم و انیمیشن و دو سالن نمایش فیلم بود. دو سال بعد جورج یارناکه یکی از محققان و متخصصان برجسته نظرسنجی بود، مجموعه بارنا فیلم را به عنوان یکی از شعبات یا شاخه‌های شرکت رسانه‌ای اونجلیست خود تأسیس کرد. فیلیپ آنشوتر، یکی دیگر از اونجلیست‌های معتقد و فرد بسیار متمول و میلیونر و بنیانگذار مؤسسه ارتباطی کوشت نیز گروه فیلم آنشوتر را ایجاد کرد که مجموعه والدن مدیا را شامل می‌شد و در ساخت فیلم وقایع‌نگاری نارتیبا نیز با کمپانی دیزنی مشارکت داشت.

این در حالی است که در سال‌های بعد فهرست آثاری که به باورهای اونجلیست‌ها یا همان مسیحیان صهیونیست می‌پرداخت، طولانی‌تر شد. یادمان نرفته که در آستانه پایان هزاره دوم، تعداد زیادی از فیلم‌هایی که به‌ماجرای پایان روزها (یکی از اعتقادات اونجلیست‌ها برای فرارسیدن آرماگدون) می‌پرداخت، روی پرده سینما هارت. آثاری همچون هفتمین گناه، دروازه نهم، پایان روزها، روز استقلال، آرماگدون، ماتریکس، برخورد عمیق و … پس از آن اونجلیست‌ها می‌توانستند از میان برنامه‌های مختلف هالیوودی انتخاب‌های زیادی داشته‌باشند. به عنوان مثال شبکه نیایش هالیوود (Hollywood Prayer Network) یکی از شبکه‌هایی بود که تمام توان خود را صرف کرد تا با استفاده از نیروهای متخصص و معتقد، هالیوود را دچار یک تحول اونجلیستی کند.

نیکولاسی گفت همه‌روژه‌نامه‌های زیادی از مسیحیانی دریافت می‌کند که از حضور فیلمنامه‌نویسان مجموعه‌های «بافی قاتل خون‌آشام» و Show That «s در مؤسسه اظهار نگرانی کرده و از این‌که او فیلم «زیبایی آمریکایی» را در کلاس‌های درس نشان می‌دهد، ناراضی هستند، زیرا این فیلم درباره پدر یک خانواده است که شیفته دوست و همکلاسی دختر خود شده‌است اما او حتی چنین افرادی را هم برای اهدافش کار گرفت. نیکولاسی بیش از هر کسی دیگری تلاش کرد دین باتالی، یکی از فیلمنامه‌نویسان اصلی سبت‌کام برطرف‌دار Show That «s بسا موضوع سکس، مواد مخدر و راکت‌اندول را به جمع مدرسین مؤسسه اضافه کند.

۴۱ ساله توانست در امتحان کشیشی موفق شود در حالی که در گوشه‌ای میز انجیل او قرار گرفته‌بود و عادت داشت هر روز سر کار انجیل بخواند. باتالی هم از بسیاری هالیوودی‌ها شاکی بود، چون می‌گفت اغلب آنها گروه‌های جوانان کلیسای اونجلیست را نمی‌شناسند درحالی‌که بیش از نیمی از نوجوان‌ها و جوان‌های آمریکایی جزو این گروه‌ها هستند. او حتی از کلیسازوهای انجیلی هم شاکی بود، چون فکر می‌کرد آنها باید بتوانند همان‌طور که تونی کاتنر به همجنس‌بازها و ایو انسلر به فمینیست‌ها خدمت کرده‌اند، با نقاشی کردن یا نوشتن در خدمت کلیسای انجیلی باشند. او گفته‌بود: «واقعا مخرف است. ما داعامی‌کنیم به خدایی بزرگ و فوق‌العاده ایمان داریم اما حتی نمی‌توانیم درباره اعتقادمان یک صفحه مطلب بنویسیم یا یک صحنه نقاشی کنیم. چرا ما مسیحی‌ها نباید فیلمی مثل تک‌گویی‌های زنانگی‌ایو انسلر داشته‌باشیم.» تصمیم جدید او این بود

در نسخه اولیه فیلمنامه‌اش آن قدر شخصیت‌های مسیحی بانمک، سه‌بعدی و جذاب بگنجاند که نظر همه را جلب کند. باتالی و نیکولاسی روزهایی را پیش‌بینی کردند که در آن همه استودیوهای هالیوودی برای ساختن فیلم‌هایی با مضامین آخرالزمانی، مدیری مثل آنشوتر خواهند داشت و هر شبکه تلویزیونی نسخه صهیونیستی شده «ویل و گریس» را پیش می‌کند که داستان‌های آن از مضامین آخرالزمانی برخوردار است.

اگر این فیلم‌ها کاملاً هم مذهبی محسوب نمی‌شدند. به گفته نیکولاسی در همین دوران بود که مؤسسه پرده اول، فعالیت‌هایش را گسترش داد. رالف وینتر، تهیه‌کننده فیلم مردان ایکس و چهار شگفت‌انگیز، تام شادایاک، تهیه‌کننده فیلم بروس قدرتمند و پیج آدامز، با چند جشنواره جدید اونجلیستی وارد گفت‌وگو شدند.

اما می‌توان از این مجمل، حدیث مفصل خواند و به مسئولیت شیعه بودن خود فکر کرد؛ به این‌که امروز مهم‌ترین باور ما، قیام قریب الوقوع حضرت مهدی موعود است. آنچنان که غرب و سینمای غرب، این موضوع را به خوبی درک کرده و سال‌هاست برای مقابله با آن برنامه‌ریزی و طراحی می‌کنند. بایستی شرایط آن قیام و نشانه‌های ظهور و شخصیت این منجی واقعی عالم بشریت را با زبان سینما و پر پرده عریض هنر هفتم، به دنیا شناساند تا بسیاری از آزادخواهان و فرهیختگان دنیا که هنوز با حضرت حجت (عج) و قیام و آرمان‌های ایشان آشنایی ندارند، نسبت به وجود مبارک این موعود تاریخ بشر آگاه شده که شاید ان‌شاء… در ظهور آن حضرت تحجیل شود. قضا در این مسیر آثار و فیلم‌های ناقص و الکن هم ساخته می‌شود که نمی‌تواند ابعاد گسترده شخصیتی و ظهور حضرت حجت را بیان کند ولی مهم آن است که ساخته شود در تعداد زیاد و کمیت بالا و البته با ساختار سینمایی استاندارد و جهانی

قول معروف کمتر حساسیت برانگیز باشد.



شک‌سازی رسانه‌ای

در سال ۲۰۰۲ دانشگاه پت رابرتسون (از سرکردگان اونجلیست) مرکز هنرهای نمایشی خود را افتتاح کرد. این مرکز شامل استودیوهای فیلم و انیمیشن و دو سالن نمایش فیلم بود. دو سال بعد جورج یارناکه یکی از محققان و متخصصان برجسته نظرسنجی بود، مجموعه بارنا فیلم را به عنوان یکی از شعبات یا شاخه‌های شرکت رسانه‌ای اونجلیست خود تأسیس کرد. فیلیپ آنشوتر، یکی دیگر از اونجلیست‌های معتقد و فرد بسیار متمول و میلیونر و بنیانگذار مؤسسه ارتباطی کوشت نیز گروه فیلم آنشوتر را ایجاد کرد که مجموعه والدن مدیا را شامل می‌شد و در ساخت فیلم وقایع‌نگاری نارتیبا نیز با کمپانی دیزنی مشارکت داشت.

این در حالی است که در سال‌های بعد فهرست آثاری که به باورهای اونجلیست‌ها یا همان مسیحیان صهیونیست می‌پرداخت، طولانی‌تر شد. یادمان نرفته که در آستانه پایان هزاره دوم، تعداد زیادی از فیلم‌هایی که به‌ماجرای پایان روزها (یکی از اعتقادات اونجلیست‌ها برای فرارسیدن آرماگدون) می‌پرداخت، روی پرده سینما هارت. آثاری همچون هفتمین گناه، دروازه نهم، پایان روزها، روز استقلال، آرماگدون، ماتریکس، برخورد عمیق و … پس از آن اونجلیست‌ها می‌توانستند از میان برنامه‌های مختلف هالیوودی انتخاب‌های زیادی داشته‌باشند. به عنوان مثال شبکه نیایش هالیوود (Hollywood Prayer Network) یکی از شبکه‌هایی بود که تمام توان خود را صرف کرد تا با استفاده از نیروهای متخصص و معتقد، هالیوود را دچار یک تحول اونجلیستی کند.

نیکولاسی گفت همه‌روژه‌نامه‌های زیادی از مسیحیانی دریافت می‌کند که از حضور فیلمنامه‌نویسان مجموعه‌های «بافی قاتل خون‌آشام» و Show That «s در مؤسسه اظهار نگرانی کرده و از این‌که او فیلم «زیبایی آمریکایی» را در کلاس‌های درس نشان می‌دهد، ناراضی هستند، زیرا این فیلم درباره پدر یک خانواده است که شیفته دوست و همکلاسی دختر خود شده‌است اما او حتی چنین افرادی را هم برای اهدافش کار گرفت. نیکولاسی بیش از هر کسی دیگری تلاش کرد دین باتالی، یکی از فیلمنامه‌نویسان اصلی سبت‌کام برطرف‌دار Show That «s بسا موضوع سکس، مواد مخدر و راکت‌اندول را به جمع مدرسین مؤسسه اضافه کند.

۴۱ ساله توانست در امتحان کشیشی موفق شود در حالی که در گوشه‌ای میز انجیل او قرار گرفته‌بود و عادت داشت هر روز سر کار انجیل بخواند. باتالی هم از بسیاری هالیوودی‌ها شاکی بود، چون می‌گفت اغلب آنها گروه‌های جوانان کلیسای اونجلیست را نمی‌شناسند درحالی‌که بیش از نیمی از نوجوان‌ها و جوان‌های آمریکایی جزو این گروه‌ها هستند. او حتی از کلیسازوهای انجیلی هم شاکی بود، چون فکر می‌کرد آنها باید بتوانند همان‌طور که تونی کاتنر به همجنس‌بازها و ایو انسلر به فمینیست‌ها خدمت کرده‌اند، با نقاشی کردن یا نوشتن در خدمت کلیسای انجیلی باشند. او گفته‌بود: «واقعا مخرف است. ما داعامی‌کنیم به خدایی بزرگ و فوق‌العاده ایمان داریم اما حتی نمی‌توانیم درباره اعتقادمان یک صفحه مطلب بنویسیم یا یک صحنه نقاشی کنیم. چرا ما مسیحی‌ها نباید فیلمی مثل تک‌گویی‌های زنانگی‌ایو انسلر داشته‌باشیم.» تصمیم جدید او این بود

در نسخه اولیه فیلمنامه‌اش آن قدر شخصیت‌های مسیحی بانمک، سه‌بعدی و جذاب بگنجاند که نظر همه را جلب کند. باتالی و نیکولاسی روزهایی را پیش‌بینی کردند که در آن همه استودیوهای هالیوودی برای ساختن فیلم‌هایی با مضامین آخرالزمانی، مدیری مثل آنشوتر خواهند داشت و هر شبکه تلویزیونی نسخه صهیونیستی شده «ویل و گریس» را پیش می‌کند که داستان‌های آن از مضامین آخرالزمانی برخوردار است.

که قابلیت اکران و نمایش در سطح بین‌المللی را داشته‌باشد.

چنانچه سینمای غرب هم حجم عظیمی از آثار خود را در مقابل این ظهور و قیام الهی ساخته و می‌سازد.

این گونه آثار در درجه نخست می‌تواند در کشورهای اسلامی و منطقه و بعد از آن در سایر ممالک مطرح شود. چرا با استفاده از علائق و سائق جشنواره‌های خارجی این گونه آثار را در مقابل دیدگان جهانیان قرار ندیم؟ چرا با ساختارهای هنری جدید و خلاقانه این کار را به انجام نرسانیم؟ چرا باورهای خود را کتمان می‌کنیم؟

به نظر می‌آید بایستی جدی‌تر به مقولات فوق اندیشید که طرف مقابل با سرعت تمام به جلو می‌تازد و ما مدعیان شیعه و پیروی امام‌زمان (عج) دست روی دست به تماشا می‌گشای آنها پیوسته‌ایم که پی در پی وارد دروازه خودی می‌شود و گاه حتی برایشان دست هم می‌زنیم! یادمان باشد این بار آنها شمشیرها را از زبر بسته‌اند. اگر باور نمی‌کنیم یک بار کتاب «رمز داوینچی» را با دقت بخوانیم و بعد هم فیلمش را به تماشا بنشینیم، شاید تلنگری به وجدان اعتقادی‌مان بخورد.